



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۰ مهر ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۳ صفر ۱۴۴۱

جلسه: ۱۲

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۸۴ بود. عرض شد که این مسأله دو فرض دارد که فرض اول آن در جلسه گذشته عرض شد. همچنین، عرض شد که فرض دوم، دو صورت دارد که صورت اول آن در جلسه گذشته ذکر شد. خلاصه‌اش این شد که اگر شک در ترک جزء یا شرط و در اثناء وضو باشد، در این صورت، شخص برمی‌گردد و آن شرط یا جزء مشکوک را انجام می‌دهد.

عرض شد که دلیل حکم مذکور در صورت اول، ادعای اجماع و عدم خلاف و صحیح زراره است که در جلسه گذشته ذکر شد که مضمون آن روایت، این بود که در موردی که شخص هنوز مشغول وضو گرفتن است، اگر در جزء یا شرطی از اجزاء و شرائط وضو شک کند، باید آن جزء مشکوک را اعاده کند و نمی‌تواند با تمسک به قاعده تجاوز به عدم لزوم اعاده حکم کند. اما عرض شد که این روایت معارض دارد که به روایت موثق ابن ابی یعفور به عنوان معارض، اشاره شد و عرض شد که این موثق بر عدم لزوم اعاده جزء مشکوک دلالت دارد و از این روایت و روایت صحیح دیگری از زراره و نیز صحیح اسماعیل بن جابر [که مؤید موثق ابن ابی یعفور می‌باشند و در جلسه گذشته ذکر شدند] استفاده می‌شود که در موارد شک در اثناء وضو، به قاعده تجاوز تمسک می‌شود.

همچنین، عرض شد که ضمیر در «فی غیره» به «شیء» برمی‌گردد و لفظ «من» در «من الوضوء» که در موثق ابن ابی یعفور آمده است، من تبعیضیه است و من بیانیه نیست؛ به این معنی که اگر شخص در جزئی از اجزاء وضو شک کند و در جزء بعد داخل شده باشد، شکش قابل اعتنا نیست که در این صورت که من، تبعیضیه باشد، به قاعده تجاوز تمسک می‌شود و با تمسک به این قاعده به عدم لزوم اعاده جزء مشکوک حکم می‌شود.

در نتیجه، بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زراره تعارض وجود دارد.

#### چگونگی رفع تعارض بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زراره

عده‌ای گفته‌اند که بین دو روایت مذکور، تعارضی وجود ندارد و برای رفع معارضه راهکارهایی را ارائه داده‌اند.

#### راهکار اول

گفته‌اند که ضمیر در «فی غیره» که در موثق ابن ابی یعفور آمده است، به «وضوء» برمی‌گردد و به «شیء» بر نمی‌گردد. بنابراین، قاعده فراغ از این موثق استفاده می‌شود و این روایت بر قاعده تجاوز دلالت ندارد تا گفته شود که این موثق با صحیح زراره تعارض دارد. توضیح اینکه «من» در «من الوضوء»، من بیانیه است و ضمیر در «فی غیره» نیز به وضو برمی‌گردد و در نتیجه، معنی روایت این است که اگر در صحت وضو شک کردی [که مفاد کان ناقصه است] - مفاد کان تامه شک در اصل وجود یک شیء

است و مفاد کان ناقصه شک در صحت شیء موجود است - و سپس در غیر وضو [، مثل نماز،] داخل شدی به شک اعتنا نمی شود که در این صورت، قاعده فراغ از این روایت استفاده می شود و قاعده تجاوز مستفاد از این روایت نیست و «لم تجزه» که در ذیل روایت آمده است، به معنای تجاوز نیست، بلکه به معنای عدم دخول در کار دیگر است.

بنابراین، بین صحیح زراره و موثق ابن ابی یعفور تعارضی وجود ندارد چون موثق ابن ابی یعفور بر قاعده فراغ دلالت دارد که شخص از وضو خارج شده و در کار دیگری داخل شده است، ولی صحیح زراره به موردی مربوط می شود که انسان هنوز در حال وضو گرفتن است لذا چون قاعده فراغ [مستفاد از موثق ابن ابی یعفور] مربوط به بعد از عمل است و مورد صحیح زراره، اثناء عمل است، بین این دو روایت تعارضی نیست.

#### اشکال به راهکار اول

به نظر می رسد که ظاهر از شک در موثق [صدراً و ذیلاً] شک در اصل وجود شیء است و مراد، شک در صحت موجود نیست زیرا ظاهر عبارت «من الوضوء» بر تبعیضیه بودن من دلالت دارد و لذا حمل آن بر من بیانیه خلاف ظاهر است لذا با توجه به تبعیضیه بودن من، ضمیر در «فی غیره» به «شیء» برمی گردد و در نتیجه، معارضه بین موثق ابن ابی یعفور و صحیح زراره به قوت خود باقی است. بنابراین، راهکار مذکور، برای رفع تعارض پذیرفته نیست.

#### راهکار دوم

ظاهر از شک، شک در اصل وجود [و مفاد کان تامه] است، ولی شک در وجود صحیح است و به تعبیر روشن تر، در صحت موجود [که مفاد کان ناقصه است،] شک نشده است، بلکه در وجود صحیح شک شده است. بنابراین، موثق ابن ابی یعفور ناظر به قاعده فراغ است و ناظر به قاعده تجاوز نیست چون شخص در وجود وضوی صحیح شک کرده است؛ به این معنی که متوضی شک کرده است که آیا وضوی صحیح را انجام داده است یا وضوی غیر صحیح را انجام داده است. مفاد ظاهر این موثق، کان تامه است، اما در حقیقت به کان ناقصه برمی گردد و در نتیجه، این قاعده از موثق به دست می آید که اگر شخص در جزء عمل شک کند، اگر این شک بعد از فراغ از عمل باشد، به آن شک اعتنا نمی شود، ولی اگر شک در اثناء عمل باشد، به آن شک ترتیب اثر داده می شود. به تعبیر روشن تر، زمانی که شخص در جزئی از عمل شک می کند، گویا در وجود صحیح، یعنی در تحقق وضوی صحیح شک کرده است. پس بر خلاف راهکار اول که من، بیانیه بود و مقصود از «شیء» خود وضو بود، در راهکار دوم، «شیء» جزئی از وضو است و من، بیانیه نیست تا مقصود از «شیء» خود وضو باشد، لکن از شیء به معنای جزء، وضو برداشت می شود؛ به این نحو که زمانی که در یک جزء از وضو شک می شود، گویا در صحت وضو شک شده است و بعد از دخول در غیر وضو، به قاعده فراغ تمسک می شود و به شک مذکور، ترتیب اثر داده نمی شود.

پس تفاوت این راهکار با راهکار اول این است که در راهکار اول، شیء و وضو یک چیز دانسته شد، ولی در این راهکار، شیء جزئی از وضو دانسته شده است، لکن شک در جزء به گونه ای است که عملاً وجود وضوی صحیح را مورد شک قرار می دهد؛ به این معنی که آیا وجود وضوی صحیح حاصل شد یا حاصل نشد که بعد از دخول در غیر وضو، به چنین شکی توجه نمی شود و به قاعده فراغ تمسک می شود. پس موثق ابن ابی یعفور، نه تنها با صحیح زراره تعارض ندارد، بلکه موافق با آن صحیح است زیرا صحیح نیز بر عدم جریان قاعده تجاوز دلالت می کند و این موثق نیز به قاعده تجاوز مربوط نمی شود، بلکه به قاعده فراغ مربوط است.

ظاهر موثقه ابن ابی یعفور [صدراً و ذیلاً] بر شک در اصل وجود شیء دلالت دارد و بر شک در صحت موجود دلالت ندارد لذا همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، من، من تبعیضیه است و ضمیر در «غیره» به شیء برمی گردد. بنابراین، این روایت موثقه به قاعده تجاوز مربوط می شود و ارتباطی با قاعده فراغ ندارد. در نتیجه، راهکار دوم نیز پذیرفته نیست.

#### راهکار سوم

وضو به اعتبار اثری که دارد [که طهارت حدثیه باشد]، یک امر واحد بسیط است و جزئی برای وضو تصور نمی شود، یعنی اثر وضو که طهارت حدثیه است، تجزیه پذیر نیست و لذا در بعضی از روایات نیز تعبیر «الوضوء لایتبعض»<sup>۱</sup>، وارد شده است که به این معناست که وضو تبعیض بردار نیست، یعنی شارع اجزاء وضو را ملاحظه نمی کند. بنابراین، چون وضو امری بسیط است، ضمیر در «غیره» به خود وضو برمی گردد و به جزء وضو بر نمی گردد چون شارع مقدس برای جزء حساب جداگانه ای باز نکرده است و در نتیجه، من، بیانیه است و تبعیضیه نیست و لذا این موثقه در قاعده فراغ ظهور پیدا می کند و ربطی به قاعده تجاوز ندارد.

#### اشکال به راهکار سوم

اشکال راهکار سوم این است که وحدت اثر وضو با وحدت نفس وضو ملازم نیست. بله، درست است که اثر وضو [، یعنی طهارت حدثیه] امری واحد و بسیط است، لکن اثر، یک چیز است و وضو چیز دیگری است و وحدت اثر وضو با وحدت نفس وضو ملازمه ندارد تا گفته شود که چون اثر وضو بسیط است، پس خود وضو نیز بسیط است. بنابراین، بین وحدت اثر وضو و خود وضو ملازمه نیست تا گفته شود که خود وضو نیز امری بسیط و تجزیه ناپذیر است، بلکه خود وضو، امری مرکب از غسلات و مسحات است. بنابراین، ظاهر موثقه بر شک در اصل وجود وضو دلالت دارد و واژه «من» در روایت موثقه نیز تبعیضیه است و تبیینیه نیست در نتیجه، معارضه بین موثقه ابن ابی یعفور و صحیح زراره کما کان به قوت خود باقی است.

**بحث جلسه آینده:** نظر مختار در رابطه با حل تعارض بین موثقه ابن ابی یعفور و صحیح زراره، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۳، ص ۴۴۶، ح ۲.